



موسسه اندیشه و پژوهش طرح هزاره پاسارگاد

## شاخص سیمرغ توسعه

---

شش ماهه اول سال ۱۴۰۰

کارگروه سیمرغ توسعه

مهر ۱۴۰۰

---

## دیباجه

شاخص سیمرغ توسعه در شش‌ماهه اول سال ۱۴۰۰، برابر با ۱۲,۵۹- درصد بود که ۶,۷۹- درصد آن به خاطر کاهش قوه پویا و ۵,۸- درصد آن به خاطر کاهش قوه مقطعی سیمرغ در این دوره زمانی است. افت قوه پویای سیمرغ توسعه به معنای افزایش تبعیض، زورمداری و شکاف‌های اجتماعی-سیاسی است. زورگویی و تبعیض، دو عامل مهمی هستند که شکست هماهنگی، تکروی در عوض همکاری و عدم اعتماد را گسترش می‌دهند. این دو عامل، در همه جوامع وجود دارند اما درجات متفاوتی از آنها به چشم می‌خورد و نوع کنترل و مقابله با آنها نیز متفاوت است. شیوه کنترل و مقابله با زور و تبعیض، یکی از برون‌دادهای ساختار اجتماعی، قوانین و مقرراتی است که در جوامع وضع و اجرا می‌شود.

افت قوه مقطعی سیمرغ توسعه به معنای فرصت‌سوزی در عوض فرصت‌سازی و از دست رفتن دسترسی به منابع و فرصت‌های داخلی و بین‌المللی توسعه است. اتلاف منابع، افزایش تنش در روابط بین‌المللی و منطقه‌ای، بی‌توجهی به محیط زیست، افزایش هزینه‌های مبادله و عدم اقتدار دانایی و علم، از جمله مصادیق چنین فرصت‌سوزی‌هایی هستند.

در گزارش حاضر، تحولات عناصر شاخص سیمرغ توسعه، هم از منظر ساختاری و هم از منظر بازیگران موثر، تشریح می‌شود. امید است که چنین گزارش‌هایی به اصلاح روندهای توسعه‌سوز در ایران، کمک کند و همواره از نظرات انتقادی برای اصلاح ساختار شاخص، استقبال می‌شود.

رضا مجیدزاده

دوم مهرماه ۱۴۰۰

## قوه پویا

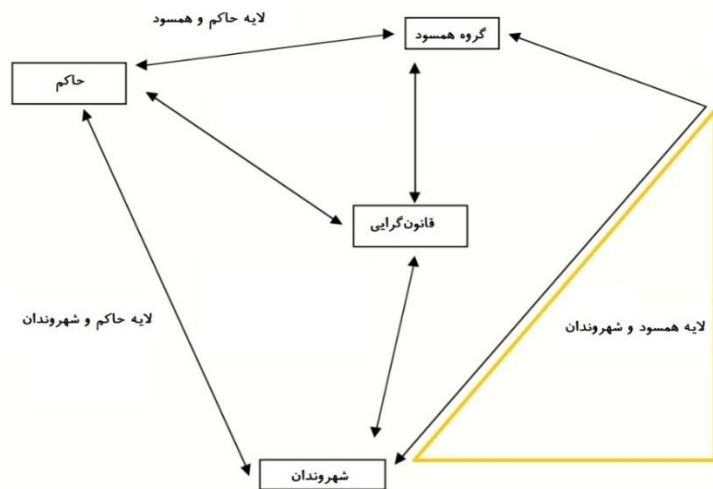
حاکمیت قانون، یکی از ارکان اصلی قوه پویای سیمرغ توسعه است؛ حاکمیت قانون هم از جنبه پایبندی به قانون موجود و هم از جنبه وجود قوانین بدون تبعیض و منصفانه. اما کارکرد اصلی حاکمیت قانون، گذار از امتیازمحوری به قانون‌محوری و قاعده‌محوری است که اطمینان در نزد شهروندان را به وجود می‌آورد. بی‌توجهی

به سوابق در تعیین شهردار تهران و مشهد، دو نمونه از میان نمونه‌های فراوان از این دست به شمار می‌رود که نه تنها حاکمیت قانون بلکه تخصص‌گرایی در میان مجموعه انتخاب‌کنندگان یا تعیین‌کنندگان را نیز زیر سوال می‌برد. به دیگر سخن، چنین انتخاب‌هایی به معنای برتری امتیاز روابط یا همسودی (جهت‌گیری) سیاسی نسبت به امتیاز تخصص و سوابق مرتبط است. از سوی دیگر، رقابت آزاد و بدون نفوذ نیز محل تردید قرار می‌گیرد.



چون تمرکز شاخص سیمرغ توسعه روی بازیگران موثر بر قوه پویا و مقطعی است، این پرسش مهم را باید پاسخ

داد که چرا حاکمیت قانون، ضعیف است. رویه دیگر سوال از ضعف حاکمیت قانون، بی‌توجهی مقامات به روال قانونی در ارتباط با امور شهروندان است اما این بی‌توجهی در ظاهر به چشم می‌آید و این معضل در بازی‌های تودرتویی، ریشه دارد که افراد درگیر آن می‌شوند و در رابطه خود با گروه همسودشان، بهینه‌سازی را انجام می‌دهند. به دیگر سخن، شهروندان در بازی با گروه



همسود مقامات، حضور دارند که در صورت عدم همسویی منافع آنها با گروه همسود، انتخاب نابهینه در رابطه خود با کارگزارشان (مقامات) را تجربه خواهند کرد. چنین روابطی، خود را در حذف لایحه تعارض منافع که عضویت مقامات دولتی در هیئت مدیره شرکت‌ها را ممنوع می‌کند، به صورت برجسته‌ای نشان می‌دهد. جمعیت متضرر در این بازی تودرتو، شهروندانی هستند که با گروه همسود، منافع همسو و ارتباطات سیاسی-اقتصادی-اجتماعی ندارند. بنابراین، چاره اصلی در اصلاح بازی تودرتویی است که منافی ناهمسو با شهروندان را به



سیستم حکمرانی کشور، تحمیل می‌کند. فاصله گرفتن از اصول دموکراتیک و بی‌توجهی به خواسته‌های جمهور، از پیامدهای بازی‌های اختصاصی‌سازی منابع و فرصت‌هاست که در لایه‌های تودرتوی حکمرانی، پنهان شده‌اند و در عوض منافع ملی، منافع گروهی را محور قرار داده‌اند.

یکی از موانع اصلاح چنین بازی‌هایی، حضور بازیگرانی در بازی تودرتو است که به واسطه موقعیت خاص خود، میل به پاسخگویی ندارند و شهروندان یا حتی مقامات ناظر نیز از قدرتی همسنگ آنها برخوردار نیستند تا آنها را وادار به پاسخگویی مدنی کنند. اگرچه حضور نظامیان مقتدر در تامین امنیت ملی و بازدارندگی در برابر

تهدیدهای متوجه کشور، بسیار ارزشمند و توسعه‌ساز است اما این حضور در عرصه‌های سیاست و اقتصاد می‌تواند اثری نامطلوب داشته باشد. عدم حضور نظامیان در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی، این احساس نگرانی را در میان فعالان بخش خصوصی یا احزاب سیاسی غیرمسلط به وجود می‌آورد که در فضای رقابتی برابری، حضور ندارند. از سوی دیگر، امکان تبعیض در تعریف یا اجرای حقوق مالکیت و کنش نیز به وجود می‌آید که قوه پویای سیمرخ توسعه را تضعیف می‌کند. انتصاب نظامیان در سازمان‌های حاکمیتی، قانونگذاری و اجرایی، از مواردی است که با تزریق ذهنیت امنیتی-نظامی به فضای حکمرانی و مدیریت عمومی، به جنبه همکاری و اطمینان، لطمه می‌زند. این لطمه خود را در افزایش فرار سرمایه‌های انسانی و مالی، منعکس می‌سازد



چون در ذهنیت افراد مالک سرمایه، «پیچ کردن» سرمایه به چنین شرایطی، فرسایش یا اتلاف سرمایه را به دنبال دارد. کاهش شدید کنترل نظامیان که مانع از میل ایران به سمت شرایط آستانه گذار به جامعه باز (دسترسی باز به حقوق مالکیت و حقوق کنش) می‌شود نیز از جنبه بازی‌های تودرتو، قابل تحلیل است. راهبردهای تنش‌زا در سطح بین‌المللی، شرایطی را ایجاد کرد که افزایش نظامیان را ایجاب می‌کرد و از این روی، آنها در سطح سازمان‌های حاکمیتی-قانون گذار و اجرایی نیز تکثیر شدند در حالی که در بستر کنونی اقتصاد سیاسی بین‌المللی، جنبه اقتصادی و نرم‌افزاری قدرت، اهمیت بسیار بیشتری پیدا کرده است.

برگزاری سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، از مهمترین تحولات قوه روندی، دست کم برای چهار سال آینده، در سه‌ماهه نخست سال ۱۴۰۰ بود. تایید صلاحیت تعداد بسیار اندکی از میان نامزدهایی که برخی از

آنها دارای سابقه مدیریتی و اجرایی بسیار بیشتر از برخی از تایید صلاحیت شدگان داشتند، در کنار انباشت نارضایتی از بابت بی‌توجهی به مسائل اجتماعی و اقتصادی شهروندان، موجب شد تا از یک سوی، کسر بزرگی از جمعیت احساس کند که صدا و نماینده‌ای در این رقابت جدی نخواهد داشت و این نماگر از جانب سازمان حاکمیتی بررسی صلاحیت، به شدت تضعیف شد. افزون بر این، رد صلاحیت گسترده نامزدها، به خصوص از میان نامزدهای غیرمرتبط به فرادستان حاکم، شکاف‌های اجتماعی-سیاسی را نیز شدیدتر کرد چون تضاد بین نهادهای رسمی و غیررسمی را بیشتر کرد و این تفسیر را تقویت کرد که ناسازگاری و تضاد بین مختصات مطلوب گروه‌های معترض و منتقد با گروه‌های حاکم، بیشتر شده است.

مجموعه این تحولات در شش‌ماهه نخست سال ۱۴۰۰، عملکرد ۶,۷۹- درصدی قوه پویای سپرغ توسعه را به همراه داشته است که در مقایسه با شش‌ماهه نخست سال ۱۳۹۹، نزدیک به ۵ درصد بدبود را نشان می‌دهد. این بدبود به معنای افزایش بیشتر تبعیض، زورمداری و شکاف است.

## قوه مقطعی

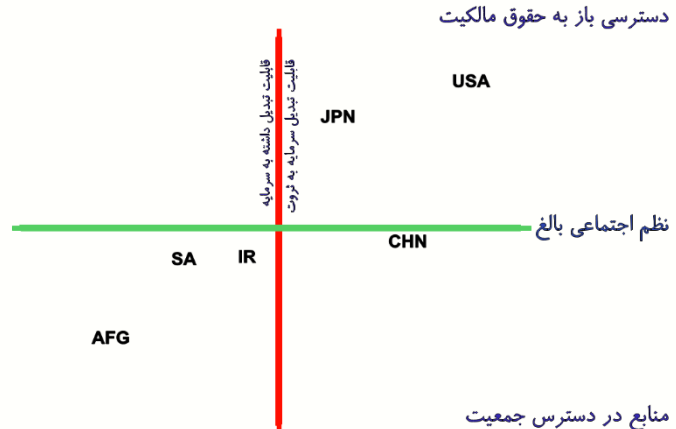
جوامع، در هر سطحی از قوه پویا، انباشته‌ای اولیه از منابع و فرصت‌ها را در اختیار دارند و این انباشته مقطعی می‌تواند به میزان محدودی، توسعه یابد. به دیگر سخن، می‌توان به صورت انتزاعی، فضای توسعه را به صورت دویعدی تصور کرد که در یک بعد، قوه پویا و در یک بعد، قوه مقطعی شکل می‌گیرد؛ بر اساس چیدمان بازیگران در نظم اجتماعی، حاکمیت قانون یا امتیاز، کنترل نظامیان و سازمان‌های مدرن و باثبات، جوامع در بعد پویا، توسعه می‌یابند و بر اساس منابع و

فرصت‌های در دسترس جمعیت، توزیع جغرافیایی این منابع، حفظ منابع، دانایی کاربرد منابع و شناخت منابع و وجود فرصت مبادله منابع نیز جوامع در بعد مقطعی، توسعه پیدا می‌کنند. مطلوب‌ترین حالت توسعه، توسعه هر دو جنبه پویا و مقطعی است که یک جامعه، هم قابلیت تبدیل داشته به سرمایه و ثروت را دارد و هم منابع و فرصت‌ها، بدون تبعیض،

در دسترس جمعیت است و دسترسی باز به حقوق مالکیت و حقوق کنش، موجب می‌شود تا فرصت‌های مقطعی در مقایسه با جوامع با دسترسی محدود به حقوق مالکیت، بسیار بیشتر و با کیفیت بهتر در دسترس قرار گیرد. از این منظر، می‌توان کشورهایی مانند ایران و عربستان را در حالت پیش از نظم بالغ قرار داد که تاکید روی هویت شخصی یا قدرت چانه‌زنی بالاتر گروه‌های نظامی، مانعی در برابر دسترسی باز به حقوق مالکیت است و سرمایه انسانی و مالی به واسطه بهره مالکانه منابع طبیعی، انباشت می‌شود اما نبود دسترسی باز، تبدیل آنها به ثروت را در کشورهایی با دسترسی باز (مانند ایالات متحده) امکان‌پذیر می‌سازد.

همان بازیگرانی که روی قوه پویای سیمرغ توسعه، اثر می‌گذارند در قوه مقطعی نیز موثرند اما اثر آنها روی قوه پویا، بلندمدت‌تر است.

تخصیص تبعیض‌آمیز یا غیرمنطقی منابع و فرصت‌ها به مناطق، از جمله معضلاتی است که قوه مقطعی سیمرغ توسعه را تضعیف می‌کند. برای نمونه، تخصیص ۱۵۰ میلیون یورو از منابع صندوق توسعه ملی به سازمان صدا و سیما، بر اساس چه توجیهی انجام می‌پذیرد؟ آیا درباره بودجه کنونی این سازمان، ارزیابی دقیقی از عملکرد آن در قبال جلب اعتماد شهروندان ایرانی وجود دارد؟ آیا درباره کیفیت برنامه‌های این سازمان، ارزیابی مستقلی از بیرون سازمان، انجام می‌پذیرد؟ آیا حجم تبلیغات گسترده و بودجه این سازمان از بودجه عمومی کشور، برای



اداره آن، کافی نیست؟ اگر کافی نیست، آیا مشکل از بابت کارایی فنی و مدیریت هزینه‌هاست یا از کافی نبودن بودجه؟ ارزیابی‌هایی غیر از ارزیابی‌های خود این سازمان، چه مقدار رضایت عمومی از عملکرد آن را نشان می‌دهند؟ آیا آئینه تمام‌نمای جامعه ایرانی است یا فقط اخبار گروه‌هایی خاص و برش‌هایی خاص از جمعیت را انعکاس می‌دهد؟ در شرایطی که بحران آب در ایران، شدت یافته و پیامدهای خود را نشان می‌دهد، آیا این تخصیص، توجیه اقتصادی-اجتماعی دارد؟

اگرچه تخصیص‌هایی نظیر وام ودیعه مسکن، رویکرد مثبتی به تامین دسترسی به نیازهای اساسی مانند خوراک، مسکن و پوشاک است که دسترسی جمعیت مستاجران به منابع مالی را بهبود می‌بخشد و در عین حال موجب زبان جمعیت موجر نیز نمی‌شود. با این وجود، صدها هزار دستگاه غیرمجاز استخراج رمزارز، از یک سوی و عدم توجه به توسعه ظرفیت نیروگاه‌ها، از سوی دیگر، در مقطعی از ۶ ماهه نخست ۱۴۰۰، دسترسی به نیازهای اساسی (برق) را به شدت بی‌ثبات کرد. تطابق نداشتن جدول زمان‌بندی خاموشی با خاموشی‌ها نیز مشکل دیگری بود که به مشکل کمبود برق، اضافه شد.

اما بحرانی‌ترین رخداد توسعه‌سوز این دوره را می‌توان به ممنوعیت اولیه واردات واکسن‌های کارآمد کرونا و تعلل‌های بعدی در واردات دیگر واکسن‌ها نسبت داد که به فوت بسیاری از هموطنان انجامید و در حالی که کشورهای دیگر استفاده‌کننده از این واکسن‌ها، جشن پایان بحران کرونا را برگزار می‌کردند، پیک پنجم کرونا در کشور، ضعف پوشش بهداشت و درمان و شکست هماهنگی گسترده در مدیریت کلان کشور را بازتاب داد. افزون بر این، در شرایط کمبود شدید دسترسی به دارو و سرم، فاسد شدن بالغ بر ۵۰۰ تن سرم در انبارها نیز، روی دیگری از سکه شکست هماهنگی در بخش بهداشت و درمان بود. ایجاد بازار سیاه برای داروهایی مانند رمدسیویر و قیمت‌های بسیار بالا برای فروش آنها نیز موجب واردشدن فشار زیادی بر خانواده‌های درگیر کرونا شد.

البته، ناکارایی و ناهماهنگی فقط در بخش بهداشت و درمان، مشاهده نشد و مدیریت ضعیف منابع آبی نیز باعث شد تا خوزستان دچار بحران آبی شدیدی شود. رتبه ۱۲۶ام ایران در زمینه سرانه آب‌های تجدیدپذیر و وضعیت برداشت زیرزمینی ممنوع در ۷۰ درصد از دشت‌های کشور، در کنار متوسط بارندگی اندک (۲۲۸ میلی‌متر)، بحران آبی ایران را پیش‌بینی‌پذیر می‌کرد اما ساختار اقتصاد سیاسی غیرپاسخگویی که در شرح قوه پویای سیمرغ توسعه به آن اشاره شد، مسائل اصلی را در عمل کم‌اهمیت می‌کنند. البته، بحران آب فقط به بی‌توجهی و کژکارکردی مدیریت منابع آبی (مانند سدسازی و تخریب ساختار زیست‌محیطی و چرخه آب)، وابسته نیست بلکه نرخ بالاتر استفاده از آب شیرین برای تولیدات کشاورزی (۹۲ درصد در مقایسه با ۷۰ درصد در سطح جهان) نیز شدت این بحران را بیشتر کرده است. بحران آب خوزستان، ریشه در بازی تودرتو با پیمانکاران چینی دارد که خشکاندن هورالعظیم را به دنبال داشت و از سوی دیگر، افتتاح سد‌هایی مانند گتوند که در ناحیه‌ای نمکین ساخته شد و افزون بر تولید آب شور، به شوری آب کارون نیز می‌انجامد. این شرایط،



یکی دیگر از عوامل فرصت‌سوزی توسعه را در ایران نشان می‌دهد که بی‌تدبیری در ارزیابی هزینه-فایده پروژه‌های مختلف است. نکته اول در تحلیل هزینه-فایده این است که چنین تحلیلی برای چه گروهی، انجام می‌پذیرد؛ آیا منظور، هزینه-فایده گروه همسود پیمانکاران پروژه است؟ آیا تحلیل اثر زیست‌محیطی، به خصوص اثر پروژه روی منابع آبی و نیاز آبی کل منطقه (نه فقط بالادست)، به اندازه کافی و واقعی، انجام می‌شود؟ بازی‌های تودرتو در اینجا نیز خود را در فشارها و خواست‌های پنهانی و لابی‌ها نشان می‌دهند. بازی تودرتو و لابی، در ادبیات سیاسی-اجتماعی ایران با عنوان «مافیا» شناخته می‌شود اما مافیا اصطلاح گویایی نیست چون ناکارایی را به فردی بیرون از سیستم حکمرانی یا حتی طرحی توطئه‌گونه نسبت می‌دهد در حالی که بازی تودرتو به «تعارض منافع» و تضاد منافع گروه‌های همسود با یکدیگر، اشاره دارد.

این تعارض منافع و بازی تودرتو حتی در رفتار نمایندگی و کارگزاری نیز به چشم می‌خورد. طبق ساختار حقوق اساسی، نمایندگان، کارگزار شهروندان (کارفرما) هستند. این کارگزاری بدین معناست که خواسته‌ها و ترجیحات شهروندان باید اولویت کاری نمایندگان باشد. اما تصمیماتی ناهمسو با منافع شهروندان، این رابطه نمایندگی را برای کل شهروندان با تردید مواجه می‌سازد. به عنوان یک نمونه، در حالی که نمایندگان مجلس در جلسه غیر علنی روز سه شنبه ۱۹ مرداد با لغو بررسی طرح حمایت از کاربران فضای مجازی طبق اصل ۸۵ قانون اساسی موافقت کرده بودند اما در جلسه علنی با درخواست لغو بررسی طرح براساس اصل ۸۵ قانون اساسی مخالفت کردند! در صورت اجرای این طرح، نزدیک به ۶۰ میلیون کاربر اینترنت در ایران، جمعیت متضرر خواهند بود که دسترسی آنها به اینترنت، ثبات خود را از دست می‌دهد و کنترل آن در اختیار نظامیان قرار می‌گیرد. افزایش شدید میل به مهاجرت پس از اعلام این طرح، نشان از تضاد آن با منافع شهروندان دارد. حتی توجیهاتی مانند حمایت از پیام‌رسان‌های ایرانی (همانند توجیهات پیشین مانند حمایت از صنایع ایرانی) نیز به معنای همسویی چنین طرح‌هایی با منافع شهروندان نیست چون به خاطر دام فردریک لیست (انحصارسازی بدون انگیزش ارتقای کیفیت) و ایجاد انحصار، رفاه شهروندان را کاهش می‌دهد و در عوض حمایت از صنعت، حمایت از چند نفر معدود در دستور کار قرار می‌گیرد.

اما تصمیمات همسو با منافع شهروندان، همانند صدور سند جنگل‌های آق مشهد به نام سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور است که بالغ بر پنج هزار هکتار زمین را شامل می‌شود و گامی در جهت مقابله با بیابان‌زایی و حفظ محیط زیست است.

هرچند که از جمله موارد مثبت در حوزه فرصت‌سازی جغرافیایی می‌توان به افزایش ۱۲۱ درصدی پروازهای بین‌المللی از کشور اشاره کرد. اما دیگر حوزه اثرگذاری بازیگران بر قوه مقطعی سیمرغ توسعه در زمینه فرصت مبادله بوده است؛ مالیات بر عایدی سرمایه، یکی از بحث‌برانگیزترین مصوبات مجلس است که در اصل، مالیات بر تورمی است که سیاست‌های دولت و اقدامات بازیگران دیگر از جمله بازیگران نظامی در حوزه افزایش تنش



با جهان و افزایش نگرانی از بابت کمبود عرضه ارز و جبران شرایط نابسامان اقتصادی با افزایش تقاضا برای ارز و دیگر دارایی‌های جانشین پول داخلی، آن را دامن می‌زند و به معنای واقعی کلمه، عایدی سرمایه نیست. مجموعه این تحولات موجب شد تا قوه مقطعی سپرغ توسعه در شش‌ماهه نخست سال ۱۴۰۰، به اندازه ۵,۸- درصد باشد که به معنای کاهش دسترسی جغرافیایی به منابع، افت دانایی فرصت‌ساز و کاهش فرصت‌های انجام مبادله است.

## پیوست‌ها

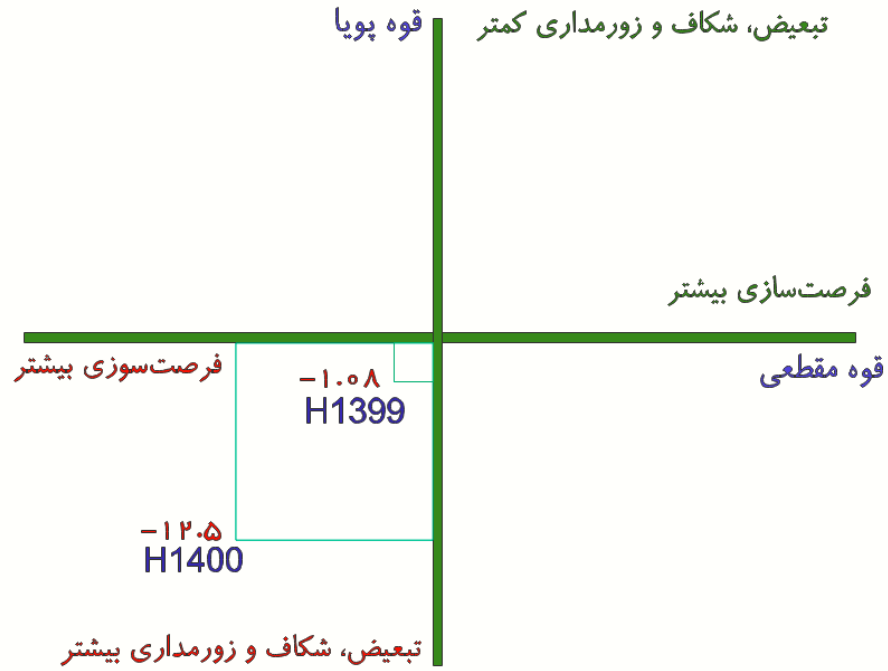
### پیوست ۱. معرفی مختصر سیمرغ توسعه.

سیمرغ در باورهای باستانی ایرانی، نماد دانایی و خرد است و در «منطق‌الطیر» عطار نیشابوری، به هماهنگی در عین تفاوت و احترام به تفاوت‌ها اشاره دارد. سیمرغ عطار به روایت سی مرغ می‌پردازد که به یکدیگر اطمینان می‌کنند، هماهنگ (مکمل) می‌شوند و در مسیر همکاری، قرار می‌گیرند و در پایان، به «سیمرغ» می‌رسند. این سه عنصر، یعنی هماهنگی، همکاری و اطمینان، کلید اصلی توسعه هستند که سی مرغ را به سیمرغ تبدیل می‌کنند. تصویر کشتی که هر کس گوشه‌ای از آن را برای خود برش می‌دهد تا منفعت خویش را بردارد، نمونه گویایی از وضعیت سی مرغ توسعه‌نیافتگی است.

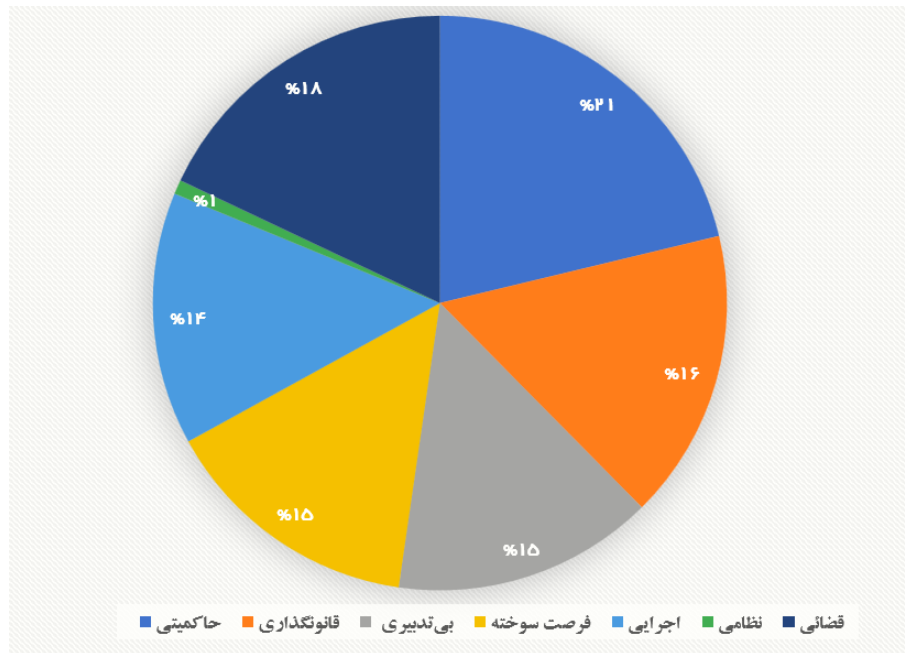
زورگویی و تبعیض، دو عامل مهمی هستند که شکست هماهنگی، تکروی در عوض همکاری و عدم اعتماد را گسترش می‌دهند. این دو عامل، در همه جوامع وجود دارند اما درجات متفاوتی از آنها به چشم می‌خورد و نوع کنترل و مقابله با آنها نیز متفاوت است. شیوه کنترل و مقابله با زور و تبعیض، یکی از برون‌دادهای ساختار اجتماعی، قوانین و مقرراتی است که در جوامع وضع و اجرا می‌شود. سازمان‌های فرادست در تنظیم این قوانین و مقررات، نقش دارند. میزان جلوگیری از زور و تبعیض، بر اساس روابط متقابل سازمان‌های فرادست و تعارض منافع، تعیین می‌شود. روابط بین سازمان‌های فرادست یک فضای حالت به وجود می‌آورد که جنبه پویای سیمرغ توسعه است. جنبه پویای توسعه به معنای گذار از حاکمیت امتیاز در میان گروه‌های قدرتمند و فرادست به حاکمیت قانون، جلوگیری از ورود نظامیان به سیاست و اقتصاد، به‌خصوص از نظر پاسخگویی آنها به نهادهای مدنی و دموکراتیک و در نهایت، ثبات سازمان‌ها و آزادی عمومی در ایجاد و دسترسی به انواع سازمان است. جنبه مقطعی توسعه به مدیریت امور جاری می‌پردازد که سه رکن دسترسی به فرصت‌ها و منابع رشد و توسعه در ارتباط جامعه با نظام بین‌المللی و توزیع این فرصت‌ها و منابع در مناطق و استان‌های کشور، دانایی در زمینه بهبود روش‌های افزایش منابع یا بهره‌گیری از فرصت‌ها و استفاده کارآمد از منابع و در نهایت کاهش هزینه‌های مربوط به هماهنگی برای انجام معاملات، اجرای تصمیم‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و حذف موانع سرعت در انجام معاملات است. اگر جنبه پویا نادیده گرفته شود آنگاه ممکن است به صورت مقطعی، رشدی ایجاد شود اما این رشد باثبات نیست و از میزان معینی فراتر نمی‌رود. اما در صورت توجه به جنبه پویا، جامعه می‌تواند پتانسیل‌های خود را آزاد کند و نوآوری در عرصه‌های مختلف زیست فردی و اجتماعی افزایش یابد.

### پیوست ۲. نمودارها.

مقایسه شش‌ماهه نخست ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰



وزن نسبی بازیگران اثرگذار





---

<http://www.iranvision۱۴۰۴.com/>

آدرس:

- میدان هفت تیر، خیابان شهید لطفی، پلاک ۱۹، طبقه اول (زنگ وسط)
- صندوق پستی: ۶۶۴۳۳ - ۱۵۸۹۸

تلفن:

(+۹۸۲۱)۸۸۳۱۹۵۰۰

ایمیل:

[rezamadjidzadeh@itrc.ac.ir](mailto:rezamadjidzadeh@itrc.ac.ir)

---